

5344

۵۰۰

۱

۱۴۲

مغری

بسم الله الرحمن الرحيم

دوئالیسم سینوی - دکارتی و مونیسم صدرایی  
از منظر اشکالات فیزیکالیسم

مهدی همازاده ابیانه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۷

همارزاده ایبانه، مهدی، ۱۳۵۷ -

دوئالیسم سینوی- دکارتی و مونیسم صدرایی از منظر اشکالات فیزیکیالیسم / مهدی همارزاده ایبانه. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.

هفت، ۱۵۴ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۵۴: فلسفه علوم انسانی؛ ۲۰)

ISBN: 978-600-298-224-7

بها: ۱۰۵۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه. ص. [۱۴۵] - ۱۴۹: همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. فیلسوفان -- دیدگاه درباره جسم و جان. ۲. Philosophers -- Views on mind and body. ۳. دکارت، رنه.

۱۵۹۶ - ۱۶۵۰ م. -- دیدگاه درباره جسم و جان. ۴. Descartes, Rene -- Views on mind and body. ۵. دکارت، رنه.

۱۵۹۶ - ۱۶۵۰ م. -- دیدگاه درباره روان شناسی. ۶. Descartes, Rene -- Views on psychology. ۷. ابن سینا، حسین

بن عبدالله. ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. -- دیدگاه درباره جسم و جان. ۸. Avicenna -- Views on Views on mind and body.

۹. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. -- دیدگاه درباره روان شناسی. ۱۰. Avicenna -- Psychology.

۱۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق. -- دیدگاه درباره جسم و جان. ۱۲. Sadradding shirazi, body.

۱۳. Mohammad ebn Ebrahim -- Views on mind and body. ۱۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق. --

دیدگاه درباره روان شناسی. ۱۵. Sadradding Shirazi, Mohammad ebn Ebrahim -- Views on psychology.

۱۶. Muslim philosophers -- Views on psychology. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۱۲۸

۱۳۹۷ هـ.ج/ ۵/ B۱۰۵

۵۳۶۸۹۸۴

شماره کتابشناسی ملی



## دوئالیسم سینوی- دکارتی و مونیسم صدرایی از منظر اشکالات فیزیکیالیسم

مؤلف: مهدی همارزاده ایبانه

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویرایش و صفحه آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم- سبجان

قیمت: ۱۰۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۲۱۹)

نمابر: ۰۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

فروش اینترنتی: rihu

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های «فلسفه و کلام»، «فلسفه ذهن» و «فلسفه تحلیلی» در مقاطع تحصیلات تکمیلی و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات فلسفی تهیه شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، دکتر مهدی همازاده ابیانه و نیز از ناظران محترم، استاد سیدیدالله یزدان‌پناه و دکتر مهدی ذاکری سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

|   |               |
|---|---------------|
| ۱ | پیشگفتار..... |
| ۳ | مقدمه.....    |

### فصل اول: رابطهٔ نفس - بدن در دستگاه فلسفی بوعلی و تطبیق بر نظریهٔ دکارت

|    |                                                        |
|----|--------------------------------------------------------|
| ۱۲ | ۱. دوتالیسم سینوی.....                                 |
| ۱۲ | ۱-۱. تعریف نفس از نگاه بوعلی.....                      |
| ۱۴ | ۲-۱. ارتباط نفس با بدن از دید بوعلی.....               |
| ۱۶ | ۲. دوتالیسم دکارتی.....                                |
| ۱۷ | ۱-۲. تعریف نفس از دیدگاه دکارت.....                    |
| ۲۰ | ۲-۲. ارتباط نفس و بدن از دید دکارت.....                |
| ۲۲ | ۳. مقایسه دوتالیسم سینوی و دکارتی.....                 |
| ۲۳ | ۱-۳. اشکالات حدوث روحانی نفس.....                      |
| ۲۳ | ۱-۱-۳. منافات ترکیب نوعی با علاقه عارضی.....           |
| ۲۴ | ۲-۱-۳. فقدان فارق بین حامل وجود نفس و حامل عدم آن..... |
| ۲۵ | ۳-۱-۳. ابهام جامع و حافظ بدن تا قبل از حدوث نفس.....   |
| ۲۷ | ۲-۳. اشکالات قدم نفس روحانی.....                       |
| ۲۷ | ۱-۲-۳. انقسام ناپذیری واحد و تمایز ناپذیری متکثر.....  |
| ۲۹ | ۲-۲-۳. تعطیلی نفوس از تدبیر.....                       |

### فصل دوم: اشکالات فیلسوفان تحلیلی فیزیکالیست بر دوتالیسم (دو جوهری)

|    |                          |
|----|--------------------------|
| ۳۱ | اشکالات معاصر دکارت..... |
|----|--------------------------|

|    |                              |
|----|------------------------------|
| ۳۱ | اشکال اول                    |
| ۳۲ | اشکال دوم                    |
| ۳۳ | اشکال سوم                    |
| ۳۴ | اشکال چهارم                  |
| ۳۶ | اشکالات اخیر فیلسوفان تحلیلی |
| ۳۶ | اشکال اول                    |
| ۳۶ | اشکال دوم                    |
| ۳۹ | اشکال سوم                    |
| ۴۲ | اشکال چهارم                  |
| ۴۷ | اشکال پنجم                   |

### فصل سوم: اشکالات صدرا بر دوئالیسم سینوی و تبیین رابطه نفس-بدن در حکمت متعالیه

|    |                              |
|----|------------------------------|
| ۵۵ | اتحاد وجودی نفس و بدن        |
| ۵۵ | دلیل اول                     |
| ۵۷ | دلیل دوم                     |
| ۵۹ | تجزّد نفس                    |
| ۵۹ | تعریف تجزّد                  |
| ۶۰ | اقسام مجزّد                  |
| ۶۰ | ۱. تجزّد مثالی               |
| ۶۱ | ۲. تجزّد عقلی                |
| ۶۲ | نحوه تجزّد نفس               |
| ۶۳ | ادله تجزّد نفس حیوانی        |
| ۶۳ | دلیل اول                     |
| ۶۴ | دلیل دوم                     |
| ۶۶ | دلیل سوم                     |
| ۷۱ | ادله تجزّد نفس انسانی        |
| ۷۱ | برهان اول                    |
| ۷۴ | برهان دوم                    |
| ۷۶ | رابطه نفس-بدن                |
| ۷۶ | نفس به مثابه جوهر مادی-مجزّد |

حرکت جوهری ..... ۷۷

## فصل چهارم: تبیین نظریهٔ نوظهورگرایی (Emergentism) و اشکالات فیزیکالیست‌ها بر آن

اصطلاح‌شناسی ..... ۸۳

پیشینه ..... ۸۴

نوظهورگرایی تقلیل‌ناپذیر (هستی‌شناسانه) در برابر نوظهورگرایی مادی‌انگار ..... ۸۶

نوظهورگرایی قوی و نوظهورگرایی ضعیف ..... ۸۹

نوظهورگرایی و ابتناء ذهن بر بدن ..... ۹۵

معضلات نوظهورگرایی ..... ۹۹

۱. ابهام در چگونگی ابتناء ..... ۹۹

۲. علیت ذهنی ..... ۱۰۳

## فصل پنجم: محک مونیسم صدرایی در برابر اشکالات فیزیکالیست‌ها و طرح نقاط مبهم در

### تئوری صدرا

مونیسم دوجنبه‌ای با حدوث جسمانی ..... ۱۱۵

ابتکار حدوث جسمانی در نظریه صدرا ..... ۱۱۷

سنجش نظریه صدرا در برابر اشکالات فیزیکالیست‌ها ..... ۱۲۱

اشکال تبیین‌ناپذیری چگونگی اتصال دو جوهر / جنبه ..... ۱۲۲

روح بخاری ..... ۱۲۶

یافته‌های مرتبط در علوم اعصاب ..... ۱۳۱

تأملی بر یک فرضیه مکمل ..... ۱۳۳

ماده و انرژی در فیزیک مدرن ..... ۱۳۵

تأملاتی درباره انرژی توسط فیلسوفان اسلامی معاصر ..... ۱۳۹

ردّ فرضیه با ملاحظه چهارچوب صدرایی ..... ۱۴۱

جمع‌بندی ..... ۱۴۲

منابع ..... ۱۴۵

### نمایه‌ها

نمایه اصطلاحات ..... ۱۵۱

نمایه اشخاص ..... ۱۵۳

## پیشگفتار

موضوعات و مسائل مربوط به ماهیت نفس و رابطه آن با بدن، از جمله مباحث کهن و پردامنه در ادبیات فلسفی به حساب می‌آید. اما از میانه قرن بیستم و با ظهور و بروز دستاوردهای علم تجربی در باب مغز و شناخت، این حوزه مطالعات فلسفی نیز مجدداً و این بار با نگاهی جدید سربرآورد و به عنوان حوزه‌ای جدی و مجزا در فلسفه معاصر مطرح شد. از دهه‌های پایانی قرن بیستم تا به امروز، آثار بی‌شماری از جانب فیلسوفان درباره مسائل مربوط به فلسفه ذهن منتشر شد و ادبیاتی غنی و گسترده را تولید کرده است. هرچند ورود این سلسله بحث‌ها به جامعه علمی و فلسفی ایران، با چنددهه تأخیر انجام شده، ولی در سالیان اخیر شتاب گرفته و به گستره‌ای جذاب و مناقشه برانگیز تبدیل شده است.

بنده نیز در پی آموخته‌های فلسفه اسلامی و اتمام تحصیلات آکادمیک در رشته فلسفه ذهن، به دنبال مجالی برای انجام پژوهش‌های تطبیقی در باب علم النفس/فلسفه ذهن بودم تا سهمی هرچند ناچیز در پیشبرد مباحث مذکور در مجامع فلسفی کشور داشته باشم. در این میان خوشبختانه، جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا حسنی، مدیر گروه فلسفه علوم انسانی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، با پیش نهاد و سفارش پژوهش حاضر را پس از چند جلسه گفتگو و بررسی، مطرح کرد.

در ادامه، حُسن نظر و همکاری صمیمانه ایشان - که آن را از جمله عطایای الهی در مسیر انجام این تحقیق می‌دانم - سبب شد تا دشواری‌ها و چالش‌های این پژوهش به حداقل خویش کاهش یابد و به سرانجام رسد که جای سپاس و شکر دارد. همچنین شایسته است مراتب امتنان

و تقدیر خویش را از استاد یدالله یزدان‌پناه و جناب آقای دکتر مهدی ذاکری ابراز نمایم که با نظرات ارزشمندشان در فرایند ارزیابی، به غنای بیشتر تحقیق یاری رساندند. امیدوارم محصول پیش رو بتواند برای خوانندگان و پژوهشگران ارجمند، راهگشا و مفید باشد و آنان نیز نگارنده را از نظرات و انتقادات خود درباره متن، بی‌بهره نگذارند.

مهدی همزاده ابیانیه

قم، تابستان ۱۳۹۷

WWW.KETAB.IR

## مقدمه

تأثیر مباحث فلسفی بر علوم انسانی در غرب، بسیار وثیق و عمیق بوده و هست؛ به گونه‌ای که در موارد بسیار، موضوعی واحد بر روی میز تحقیق هم‌زمان فیلسوفان و متخصصان برخی دیگر از علوم انسانی قرار گرفته و نتایج این پژوهش‌های هم‌راستا در تکمیل و پیشبرد پروژه هر یک از علوم یادشده به کار گرفته شده است.

یکی از حوزه‌های پرکار و شاید مهم‌ترین بخش از فلسفه معاصر غرب، به حوزه فلسفه ذهن مربوط می‌شود. مباحث فلسفی پیرامون ذهن تا پیش از رنسانس، چندان جایگاهی در میان آثار و گفتگوهای فیلسوفان نداشت؛ ولی با ظهور مدرنیته و پیدایش تمایلات شدید به سمت پوزیتیویسم و مادی‌انگاری، نظریات مخالف با رویکرد سنتی به ذهن، ظهور و بروز کرد و نگرش دونالیسم دکارتی را سخت به مبارزه طلبید. هرچند که نظریه دکارت، خود با دیدگاه باستانی تغایرهایی داشت، ولی به‌هرحال دکارت به دو جوهر متمایز، رسیده بود؛ دوئیستی که برای تبیین ارتباط متقابل فیزیک و فرافیزیک، با چالشی جدی روبه‌رو بود.

فیلسوفان پوزیتیویست، انتقادات و حملات همه‌جانبه‌ای را علیه اعتقاد به جوهری غیرفیزیکی به نام «نفس» یا «روح»، تدارک دیدند و در قالب نظریه‌هایی متنوع، دیدگاه‌های جدید در باب ذهن را بنیان نهادند.

سؤالات جدی و حل‌ناشده درباره مسئله ارتباط نفس-بدن از یک‌سو و پیشرفت‌های تکن‌دهنده علوم شناختی<sup>۱</sup> از سوی دیگر به تلاش‌های فلسفی برای ورود به این حوزه دامن زد. دستاوردهای علوم اعصاب‌شناختی، هوش مصنوعی و نسل جدید ربات‌ها، چالش‌ها و

---

1. cognitive science

ابهام‌های جدیدی پیش روی فلسفه ذهن قرار داد و مباحث فزاینده فلسفی در این باره، تأثیرات متقابلی بر علوم یادشده گذاشت که همچنان ادامه دارد.

به‌رحال فلسفه در دوران معاصر، تحت سیطره پارادایم فیزیکالیستی قرار دارد و طبیعتاً شیوه گزینش مسائل اصلی و نحوه ورود برای پاسخ‌گویی به آنها نیز در همین چهارچوب انجام می‌گیرد. فیزیکالیست‌ها به‌منظور نظریه‌پردازی در فلسفه ذهن، بر این اصل تخطی‌ناپذیر تأکید دارند که فقط جوهرهای فیزیکی در جهان ما وجود دارند و چیزی به‌عنوان روح یا نفس مجرد را باید افسانه یا خرافه عامیانه دانست. اصطلاح معروفی که برخی فیلسوفان معاصر درباره نظریه دونالیستی دکارت به کار می‌برند، «افسانه دکارتی»<sup>۱</sup> است. آنها با انتقادهای مختلفی که از نظریه دونالیستی ارائه کردند - که مهم‌ترینشان به نحوه ارتباط جوهر فرافیزیکی و فرامکانی نفس با جوهر فیزیکی و مکان‌مند بدن مربوط می‌شد - به سراغ پردازش تئوری‌های جایگزینی رفتند که همگی بر مبانی فیزیکی استوار بود؛ هرچند گاه تشخیص مرز برخی از نظرات فیزیکالیستی با دونالیستی دشوار است؛ مانند تئوری‌هایی که از وجود «ویژگی‌های فرافیزیکی ذهنی» در کنار ویژگی‌های فیزیکی بدنی دفاع می‌کنند و حامل همه‌انواع این ویژگی‌ها را جوهر صرفاً فیزیکی بدن می‌دانند.

تصور اینکه تغییر و چرخش پارادایمی یادشده، چه تأثیری بر علوم مرتبط مانند روان‌شناسی و علوم تربیتی بر جای گذاشته، چندان دشوار نیست. به‌عنوان مثال، نظریه «رفتارگرایی»<sup>۲</sup> فلسفی که ماهیت حالات و ویژگی‌های ذهنی را چیزی بیش از رفتارها یا تمایلات به رفتارها نمی‌داند، رویکرد رفتارگرایی را در روان‌شناسی تقویت می‌کند که صرفاً به بررسی روابط بین ورودی‌ها و عکس‌العمل‌های رفتاری می‌پردازد و ذهن را به‌مثابه یک جعبه سیاه، کنار می‌گذارد. در نظرگاه رفتارگرایی فلسفی، وقتی می‌گوییم کسی باوری دارد، منظورمان این است که به‌واسطه داشتن این باور، رفتاری از او سر می‌زند و اساساً آن باور، چیزی جز همین رفتار نیست. یا برای نمونه درد عبارت است از: مجموعه رفتارهایی مانند سر را با دست گرفتن و داد کشیدن و ناله کردن و... البته میل و اقتضای این رفتارها هم کافی است تا یک حالت ذهنی، تحقق یافته باشد و نیازی به فعلیت یافتن این رفتارها نیست.<sup>۳</sup>

1. Cartesian Myth

2. behaviorism

۳. برای مطالعه بیشتر رفتارگرایی فلسفی، ر.ک:

Ryle, Gilbert, 2009, *The Conception of Mind*, Routledge, London & New York.

رفتارگرایی در روان‌شناسی که بین سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ در اوج بود، به مثابه واکنشی علیه ذهن‌گرایی (روح‌گرایی) و غلبه روش‌های درون‌نگرانه پدید آمد و از این حیث، کاملاً با دیدگاه همزاد و همنام خویش در فلسفه، مشترک بود که می‌خواستند روان را به‌عنوان امری عینی، پوزیتیو و صرفاً تجربی بررسی کنند.

یا نظریه این‌همانی<sup>۱</sup> که قائل به تساوی و عینیت حالات ذهنی با حالات عصبی است و وجود هویتی مستقل از مغز به‌عنوان ذهن (نفس) را رد می‌کند، راهکارهای روان‌شناختی و تربیتی را معطوف به اصلاحات عصبی و مغزی می‌نماید و بیشتر به علوم اعصاب و تجربیات بیولوژیک پیوند می‌خورد. جک اسمارت در مقاله کلاسیک خود که دیدگاه این‌همانی را حافظ اصل سادگی<sup>۲</sup> یا تیغ اکام<sup>۳</sup> دانسته، می‌گوید:

چرا من در برابر پیشنهاد‌های غیرتقلیل‌گرایانه مقاومت می‌کنم؟ اساساً به دلیل تیغ اکام... اینکه احساسات و دردها با فرایندهای مغزی همبسته<sup>۴</sup> باشند، کمکی به ما نمی‌کند؛ زیرا در این صورت باید آنها را به‌عنوان پدیده‌هایی مستقل و ورای پدیده‌های فیزیکی به رسمیت بشناسیم... به دلایل مختلف من نمی‌توانم به چنین تصویری اعتقاد داشته باشم. اینکه هرچیزی «به جز رویداد احساسات»، بتواند با تعبیر فیزیکی، قابل تبیین باشد، برای من صراحتاً باورنکردنی است (Smart, 1959, p.142).

همان‌گونه که خود اسمارت تصریح کرده، اصل سادگی یا همان تیغ اکام، دلیل اصلی وی برای رفتن به سمت نظریه‌ای تقلیل‌گرایانه بوده است. یک اصل فیزیکی‌الستی که می‌گوید هر نظریه‌ای که به لحاظ تعهدات وجودشناختی ساده‌تر باشد، موجه‌تر هم خواهد بود. روشن است که تعهدات وجودشناختی کمتر، به ساده کردن جهان خارج و زدودن عوالم فرامادی و هویات غیرفیزیکی خواهد انجامید؛ البته پیشرفت‌های علم تجربی که به کشفیاتی درباره این‌همانی «رعد و برق» با «تخلیه الکتریکی» و «ژن» با «دی ان ای» و... انجامیده بود، بسیار در انگیزش ارائه نظریه این‌همانی ذهن و مغز نقش داشت.

براساس این‌همانی حالات ذهنی و مغزی، روان‌شناسی ذهن‌گرا<sup>۵</sup> باید به فراموشی سپرده شود و توصیه‌ها و راهکارهای تربیتی-مهارتی نیز با این شیفت فلسفی، تحوّل جدی می‌یابند و

1. identity

2. simplicity

3. occam's razor

4. correlated

5. mentalist Psychology

حتی گاه در حدّ تحریکات الکترودی در نواحی مشخصی از نوروهای مغزی یا تزریق برخی مواد شیمیایی مشخص به این نواحی، تنزل می‌یابد.

امروزه با سیطره نگرش‌های این‌همانی در باب ذهن و بدن، روان‌شناسی زیست‌شناختی نیز با اقبال گسترده‌ای از سوی متخصصان معاصر علوم انسانی روبه‌رو شده است. آنها از اینکه سرانجام به تئوری‌ای دست یافته‌اند که افزون‌بر «توصیف» پاسخ‌های رفتاری در برابر محرک‌های مختلف، «تبیین» سازوکار مولکولی و سلولی و عصبی آن را نیز در دستور کار دارد، خشنودند.

یا نظریه کارکردگرایی<sup>۱</sup> در فلسفه ذهن که یکی دیگر از تئوری‌های شاخص فیزیکالیستی است و هرگونه تصور از ذهن به‌عنوان یک هویت مستقل یا جوهر منطقی را نفی می‌کند؛ خواه این تصور به‌مثابه یک نفس مجرد باشد و خواه به صورت مغز. این نظریه -همان‌گونه‌که از نامش برمی‌آید- ذهن را به‌عنوان یک کارکرد، معرفی می‌نماید.

کارکردگرایان به این نکته توجه می‌دهند که یک تفاوت واضح و اساسی بین «کارکرد یک چیز» (کاری که انجام می‌دهد)، با «مجموعه آرایش‌هایی که آن چیز را قادر به ایفاء کارکردش می‌سازد»، وجود دارد. به نحوی کاملاً روشن، کارکرد نباید با آرایش مادی‌ای که آن را محقق می‌سازد، یکی گرفته شود؛ بنابراین خطاست که کارکرد را همان اشیاء یا همان فرایندهای فیزیکی بدانیم. ولی آیا این، بدان معناست که کارکرد، مانند جوهر دکارتی، غیرفیزیکی و مجرد است؟ کارکردگرایان تصریح می‌کنند که ما باید از این‌گونه تصور درباره ذهن، دست برداریم. جدیدترین ویرایش از نظریه‌های کارکردگرایی، ذهن انسان را به‌عنوان جدول ماشین فوق‌العاده پیچیده‌ای تصور می‌کنند که در فرایندهای عصبی مغز، تحقق می‌یابد. در واقع، این نظریه از ماشین تورینگ و تصور ذهن به‌مثابه سلسله مراتب لایه‌لایه و پیچیده از جداول ماشینی و محاسباتی الهام گرفته شده است.

تأثیر متقابل کارکردگرایی محاسباتی و نظریه‌های رایانه‌ای ذهن بر علوم انسانی سبب شد تا روان‌شناسی پردازش اطلاعات، واقعیت‌های ذهنی را گام‌به‌گام همراه با آزمون کارکردگرایانه تورینگ تفسیر نماید. دیدگاهی که انسان‌ها را به‌مثابه یک نظام پردازشگر اطلاعات در نظر می‌گیرد: اطلاعات به‌وسیله گیرنده‌های حسی دریافت و ثبت می‌شوند، مورد پردازش قرار می‌گیرند و در زمان لازم به آنها رجوع می‌شود. در واقع یک‌سری برنامه‌های گردشی رایانه‌ای،

برای تحلیل ذهن و حالات ذهنی نیز به کار گرفته می‌شود. همان‌طور که عواطف و احساسات و به‌طور کلی تمامی تجربیات درونی که با کیف نفسانی‌شان شناخته می‌شوند، هر یک در کارکردگرایی فلسفی به انواع خاصی از نقش‌های کارکردی تحویل می‌روند.

ولی در مقابل این نظریات متنوع فیزیکیالیستی، طبیعتاً نگرش‌های فلسفی دونالیستی یا دیدگاه‌های مجردگرا در باب ذهن نیز تأثیر و تأثر متناسب خویش را در علوم مرتبط با انسان‌شناسی بر جای می‌گذارند. روح‌گرایی تا پیش از قرن بیستم و بلکه تا اوایل آن، نگرش حاکم بر روان‌شناسی و تعلیم و تربیت بود؛ چه اینکه شیفت اساسی به سمت دیدگاه‌های ماتریالیستی ذهن نیز در فلسفه از اوایل قرن بیستم آغاز شد.

روان‌شناسی کلاسیک که با فهم عرفی از امور ذهنی هم سازگار بود، تحت تأثیر جدی فلسفه دونالیستی در باب ذهن و بدن شکل گرفت و انسجام یافت. روان‌شناسان کلاسیک، گاه خود در زمره فیلسوفان ذهن هم به شمار می‌رفتند و از ارسطو و دکارت تا فخر و وونت را در بر می‌گرفتند و روش درون‌نگری<sup>۱</sup> را به عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز روش‌شناختی به کار می‌بردند. حال آنکه روان‌شناسان معاصر که نظریات فیزیکیالیستی و مادی‌انگار در باب ذهن را پذیرفته‌اند، تکیه بر روش درون‌نگری را به دلیل اینکه نهایتاً یک توصیف ارائه می‌دهد و نه یک تبیین، رد می‌کنند و گاه نظر روان‌شناسی کلاسیک مبنی بر اینکه خودنگری، یک علم بی‌واسطه و مسلّم را در اختیار ما می‌گذارد، به چالش می‌کشند (See: Byndra, 1976, pp.177-178).

البته این مهم است که چه نسخه‌ای از دونالیسم فلسفی را مبنای تحلیل و تحقیق‌های روان‌شناختی قرار دهیم؛ قاعدتاً نظریه دونالیسم جوهری<sup>۲</sup> - که قائل به یک جوهر مستقل فرافیزیکی برای نفس در کنار یک جوهر مستقل فیزیکی برای بدن است - از دونالیسم ویژگی‌ها<sup>۳</sup> - که فقط جوهر فیزیکی را قبول دارد و نهایتاً خصیصه‌های ذهنی را در کنار ویژگی‌های فیزیکی بدن، ویژگی‌های فرافیزیکی آن می‌داند - درباره نقش بدن در تأثیرگذاری بر روان متفاوت می‌اندیشد و نسخه می‌پیچد. اساساً پذیرش جوهر مستقل روح به معنای وجود مسیرهایی مستقل و صرفاً روحانی برای تقویت و تغییر خصیصه‌های روان‌شناختی و تربیتی است؛ حال آنکه تحفظ بر یک نوع فیزیکیال از جواهر و قرار دادن خصیصه‌های ذهنی به مثابه

1. introspection

2. substance dualism

3. property dualism

ویژگی‌های فرافیزیکی آن، به معنای تمرکز و تأکید بیشتر بر بدن (به عنوان حامل و پایه ویژگی‌های ذهنی) برای ایجاد تغییر و تحوّل در آن ویژگی‌هاست.

گو اینکه فیلسوفان مسلمان با پذیرش نفس مجرد و -به تبعیت از صدرای- با پذیرش حرکت جوهری آن، بر این دیدگاه تأکید دارند که مادام که نفس از حالت وجود جسمانی خارج نشده و به فعلیت عقل مفارق نرسیده باشد، صرفاً یک صورت مادی با تفاوت در مراتب -به حسب تفاوت در شدت و ضعف وجودی- خواهد بود. این حرکت جوهری می‌تواند در هر دو سوی کمال (عقل فعال) و نقص (ماده محض)، اوج یا افول گیرد و این به تمرکز بر نوع خاصی از قوای نفس بستگی دارد.

البته طرفداری از اندیشه «قوای نفس» به یونان باستان بازمی‌گردد که در کلمات بوعلی و فلسفه مشاء هم نمود یافته است؛ ولی فیلسوفان مشاء معتقد بودند کارهای غیر عقلی که نفس انجام می‌دهد، افعال آلات و ابزار نفس است و نه خود نفس؛ نفس به ذات خود مانند کارها را انجام نمی‌دهد. سخن صدرای در مقابل، این است که تک تک این قوا، ذاتی نفس هستند. وی تعدد قوا را مانع از این نمی‌بیند که نفس در موطن قوا حاضر باشد و خود او کارهای قوای حسی و حرکتی را هم انجام دهد. نفس در اندیشه صدرای، عین همه قواست و با تمام قوایش عینیت دارد و در عین اینکه قوا متعدّدند، نفس یکی است و وحدت دارد (صدرالمثالیین، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۳۴-۱۳۶).

طبیعتاً بر مبنای این دیدگاه فلسفی در باب نفس و قوای آن، بقا و سکنی و استقرار ممتدّ نفس در مراتب مادون شهوانی و طبیعی، نفس را در همین مرتبه نگه می‌دارد و فرصت و امکان تعالی وجودی نفس تا اعتلاء در مرتبه عقل را نمی‌یابد. نفس در صورت تمرکز بر قوای مادون و طبیعی، به عقل بالفعل نمی‌رسد که حقایق را از عقل فعال می‌گیرد و به طریق اولی به مرتبه فنای در عقل فعال و نیل به عقل مستفاد هم نخواهد رسید. حال آنکه تمرکز بر فعالیت‌های عقلانی و تعالی، موجب بروز مرتبه عقلی و تعالی نفس می‌شود و نفس را در آن مرتبه و موطن، مستقر می‌کند.

بدین ترتیب، نوع تحلیل‌ها و توصیه‌های روان‌شناختی و تربیتی، شکل و ترتیب متفاوتی می‌گیرد و گاه در حدّ فراغت از شئون بدنی و مادی، متمایز می‌شود. در این تصویر فلسفی از نفس، کاملاً طبیعی و مورد انتظار خواهد بود که مثلاً توصیه به برخی مراقبه‌های پرهیزی و توجهات معنوی برای تعالی اخلاقی رونق گیرد و کمتر به لذت‌های مادی و بدنی برای گشایش روح و نشاط روانی پرداخته شود.

یکی دیگر از نتایج تصویر فلسفی ما درباره ماهیت ذهن که در علوم انسانی آشکار می‌شود، انتخاب رویکرد در «روش تحقیق» است. اگر برخی نظریه‌های فیزیکالیستی مانند این‌همانی و کارکردگرایی محاسباتی را تصدیق کنیم، آنگاه مانند برخی از فیلسوفان فیزیکالیست معاصر، «اراده آزاد»<sup>۱</sup> را چیزی در حدّ یک توهم خواهیم دانست؛ زیرا رویدادهای ذهنی و بدنی ما، براساس یک سری قوانین نورولوژیک یا برنامه‌های شبه‌رایانه‌ای و با تکیه بر وضعیت پیشین نورونی یا محاسباتی ما معین می‌شوند و عامل ارادی، نقشی واقعی در آن ندارد. قاعدتاً تصمیم‌گیری درباره «اراده آزاد»، عاملی مهم در نتیجه مناقشات راجع به این خواهد بود که آیا پژوهشگر علوم انسانی می‌تواند پیش‌فرض‌ها و داوری‌هایش را در جهت‌گیری و محتوای تحقیقش دخالت دهد یا خیر. اگر اراده آزاد، وجود نداشته باشد، اساساً عامل انسانی از دخالت دادن ارادی هر چیز - و از جمله تمایلات و پیش‌داوری‌ها - در تحقیق خویش ناتوان خواهد بود. در نتیجه قاعدتاً روش‌های تحقیق پوزیتیویستی - مانند آنچه حلقه وین در ضمن تأکید بر روشمند بودن مقام اکتشاف علمی، ارائه می‌کرد - ترجیح می‌یابد و روش‌های تحقیقی که در مقابل، سخن از تأثیرگذاری فرضیات در مقام داوری و تفسیر می‌گویند، رنگ می‌بازند.

خلاصه آنکه نظریه مختار در باب نفس و بدن، تأثیری شگرف در علوم مرتبط مانند روان‌شناسی و تعلیم و تربیت بر جای خواهد نهاد و گاه به تفاوت‌های بنیادین و انقلاب‌گونه در روش و محتوا می‌انجامد. بدین ترتیب، بحث حاضر در این کتاب، که در پی تدقیق علم النفس فلسفه اسلامی و اشاراتی برای تکمیل آن در برابر فلسفه‌های فیزیکالیستی ذهن است، امتداد نتایج خویش را در علوم انسانی مرتبط، دربردارد. به‌دیگرسخن، تحقیق پیش‌رو با نگاهی به تحولات روزافزون فلسفه‌های فیزیکالیستی، سعی در تدقیق دیدگاه فلسفه اسلامی (سینوی و صدرایی) در باب نفس و آشکار ساختن نقاط ابهام و کاستی‌های آن برای پاسخگویی به نظریات مادی‌انگار معاصر دارد. آشکار است که صرف تکرار مباحث رایج در فلسفه اسلامی، بدون آنکه ناظر به تحولات بروز نظریات رقیب و در پی تکمیل و تقویت خویش در برابر پرسش‌ها و اعتراض‌های جدید آنها باشد، جز جمع محدودی از طرفداران کلاسیک خویش را راضی نخواهد کرد و حضور و امتداد ملموسی در علوم مرتبط انسانی و طبیعی، بر جای نخواهد گذاشت. بدین‌منظور رهاورد پژوهش در قالب پنج فصل، تنظیم و پیش‌روی شما قرار داده شده است:

فصل اول رابطه نفس- بدن در دستگاه فلسفی ابن سینا را بررسی و با دونالیسم دکارتی، مقایسه کرده است؛ در فصل دوم، اشکالات فیلسوفان فیزیکیالیست بر دونالیسم (دو جوهری) مرور می شود؛ فصل سوم به تبیین رابطه نفس- بدن در دیدگاه حکمت متعالیه و نیز اشکالات صدرالمتألهین بر دونالیسم سینی می پردازد؛ فصل چهارم شاهد گزیده ای از اشکالات فیلسوفان فیزیکیالیست بر نظریه نوظهورگرایی هستیم که براساس توضیحات، قابل بازسازی در برابر دیدگاه صدرایی نیز هست؛ در فصل آخر هم با توجه به توضیحاتی که درباره اشکالات و ابهامات اردوگاه فیزیکیالیسم علیه دونالیسم و نوظهورگرایی ارائه شد، تلاشی برای نشان دادن کاستی ها و نقاط ابهام در علم النفس صدرایی صورت گرفته و برخی پیشنهادها نیز بررسی شده است. همان طور که در خلال مباحث، شاهد تشریح برخی نواقص یا ایرادات در مباحث علم النفس اسلامی (اعم از سینی و صدرایی) - مانند بحث ادله تجرد نفس - هستیم.